

مطالعه حقوق فرافردی: مبنایی برای دعاوی جمعی

محمد مولودی *

بیژن حاجی عزیزی **

ناهید صفری ***

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۰/۲۴

تاریخ دریافت: ۹۴/۳/۲۰

چکیده

مشکلات ناشی از اقامه دعاوی شخصی در مواردی که به تعداد کثیری از افراد جامعه ضرر وارد می‌شود، گاه باعث انصراف افراد از اقامه دعوا می‌گردد. یکی از راهکارهای حل چنین مشکلاتی استفاده از دعاوی جمعی است. این دعاوی با اعطای نمایندگی از جانب گروهی از زیان‌دیدگان به یک نفر، رسیدگی به دعاوی تعدادی از اشخاص که دعاوی مشابهی با زیان‌دیده دارند را در یک دعاوی واحد، امکان‌پذیر می‌سازد. آمریکا با پذیرش دعاوی جمعی به‌عنوان مهد این دعاوی شناخته می‌شود. در کشورهای تابع نظام حقوقی رومی-ژرمنی از جمله کشورهای اروپایی به دلیل تعارض این دعوا با برخی اصول و مبنای این نظام‌ها، دعاوی جمعی آمریکایی شناسایی نشده‌اند.

گام نخست در قبول دعاوی جمعی، پذیرش و شناسایی حقوق جمعی یا گروهی یا حقوق فرافردی است. حق فرافردی موجودیتی مجزا از هر فرد یا گروهی از افراد دارد. این حق ضمن اینکه فردی نیست و بر افراد برتری دارد، صرفاً مجموعه‌ای از حقوق فردی محسوب نمی‌شود. در کشورهای عضو خانواده حقوقی رومی-ژرمنی، منظور از حق، عمدتاً حق فردی است. اما در نظام‌های کامن‌لا علاوه بر حق فردی، حق گروهی و

* استادیار دانشگاه بوعلی سینا

** دانشیار دانشگاه بوعلی سینا

*** استادیار دانشگاه مراغه

فرافردی هم‌شناسایی شده است. از این حیث پذیرش دعاوی جمعی در نظام حقوقی آمریکا بر خلاف نظام حقوقی رومی-ژرمنی با مخالفت‌های مبنایی مواجه نشده است. بی‌تردید شناسایی و درک صحیح مبنایی دعاوی جمعی و مطالعه عواملی که ضرورت پذیرش این دعاوی را در نظام‌های حقوقی دیگر ایجاد کرده، می‌تواند برای نظام حقوقی ایران که در این عرصه مقرراتی ندارد، راهگشا باشد.

کلید واژگان

دعاوی جمعی، حق فردی، حق فرافردی، حق جمعی، حق منتشره.

مقدمه

شیوه سنتی و کاملاً شایع اقامه دعوا در دادرسی‌های مدنی که به دعاوی فردی موسوم است، همواره به‌عنوان شیوه‌ای رضایت‌بخش و کافی مورد پذیرش بوده است. هرچند در نظام دعاوی فردی ابزارهایی برای ادغام و تجمیع دعاوی پیش‌بینی شده که امکان حضور و دخالت خواهان‌های متعدد را در یک دعوا فراهم می‌کند، ولی این امکانات همواره پاسخگوی نیازهای افراد نمی‌باشند. در واقع با ظهور و پذیرش دسته جدیدی از حقوق تحت عنوان حقوق فرافردی یا گروهی و لزوم حمایت از این حقوق، ناکارآمدی نظام دعاوی فردی بیشتر خود را نشان خواهد داد. بر همین مبنا امروزه در پاره‌ای از نظام‌های حقوقی همانند آمریکا، در کنار شیوه سنتی اقامه دعوا، شیوه جدیدی موسوم به دعاوی جمعی مورد پذیرش قرار گرفته که عمدتاً برای حمایت از حقوق فرافردی مورد استفاده قرار می‌گیرند.

اما در کشورهای تابع نظام حقوقی رومی-ژرمنی، پاره‌ای از اصول و مبانی حقوقی پذیرش این دعاوی را با مخالفت‌های مبنایی مواجه نموده که یکی از آنها نوع نگاه به مفهوم حق است. پرسش اصلی این است که آیا تفاوت دیدگاه نظام‌های حقوقی در خصوص مفهوم حق می‌تواند مانع پذیرش دعاوی جمعی در نظام حقوقی رومی-ژرمنی باشد؟ پاسخ این پرسش مثبت است و به نظر ما یکی از دلایل عدم پذیرش این دعاوی در کشورهای تابع نظام حقوقی رومی-ژرمنی را باید تفاوت دیدگاه این نظام‌ها درباره مفهوم فردی حق دانست. بر این مبنا نخستین گام در شناسایی دعاوی جمعی، پذیرش و شناسایی حق جمعی یا گروهی یا حق فرافردی^۱ است. در حالی که در کشورهای تابع نظام حقوقی رومی-ژرمنی، منظور از حق، حق فردی است، در نظام‌های کامن‌لایی در کنار حق فردی، حق گروهی و فرافردی هم شناسایی شده که از مهم‌ترین ویژگی‌های آن تجزیه‌ناپذیری حق^۲ است. با توجه به اینکه شناسایی علل و مبنایی پیدایش این دعاوی می‌تواند در فهم و پذیرش آن برای نظام‌های حقوقی دیگر از جمله نظام حقوقی ایران راهگشا باشد، در این مقاله، حقوق فرافردی به‌عنوان مبنایی برای دعاوی جمعی مورد مطالعه قرار گرفته است. بدیهی است که پذیرش حقوقی فراتر از حقوق فردی و مجزا و مستقل از آنها مستلزم پیش‌بینی ابزارها و راهکارهایی برای حمایت از این حقوق خواهد بود که

1. Trans-individual right.
2. Indivisibility of the right.

دعاوی جمعی از جمله این راهکارها محسوب می‌شود. در این مقاله پس از معرفی اجمالی دعاوی جمعی، مفهوم حق فرافردی و انواع حقوق گروهی را، به‌عنوان یکی از مبنایی دعاوی جمعی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است.

گفتار اول: معرفی دعاوی جمعی

در حقوق آمریکا یکی از ابزارهای قانونی برای تجمیع دعاوی با جهات حکمی و موضوعی یکسان یا مشابه، دعاوی جمعی است که در ماده ۲۳ قانون آیین دادرسی فدرال پیش‌بینی شده است. در یک دعوی جمعی، یک یا چند شخص با عنوان خواهان یا خواهان‌های اصلی، به اصالت از جانب خود و به نیابت از سایر اشخاص گروه، اقدام به اقامه دعوا می‌کنند، ادعاهای این اشخاص دارای جهات حکمی و موضوعی مشابهی با ادعای خواهان اصلی است زیرا، این اشخاص به جهت یک عمل غیرقانونی واحد یا اعمال غیرقانونی مشابهی که خوانده مرتکب شده است مدعی حقی هستند که مورد درخواست خواهان‌های اصلی هم می‌باشد. ویژگی متمایز کننده این دعاوی این است که وکیل می‌تواند دعوا را با خواهان واحدی شروع کند و در این دعوا فقط این خواهان، عملاً در دعوا دخالت و حضور دارد. بیان هویت فردی (نام و سایر مشخصات) اعضای گروه لازم نیست و صرفاً تحت عنوان زیان‌دیده از واقعه‌ای خاص، توصیف آنها کافی است. در این دعاوی تمام اشخاص دیگری که متحمل ضرر شده و در شمول تعریف گروه قرار می‌گیرند، به‌طور اتوماتیک جزء خواهان‌های دعوا محسوب می‌شوند، مگر اینکه صریحاً از دعوا خارج گردند.^۱ (نظام خروج محور)^۲

1. Mattil, Peter & Desoutter, Vanessa, «Class Action in Europe: Comparative Law and EC Law Considerations», Butterworths Journal of International Banking and Financial Law, 2008, P 484.

Mulheron Rachael, The Class Action in Common Law Legal Systems: A Comparative Perspective, Portland: Hart Publishing, 2004, P3

Teitelbaum, Joshua C, «Allocation Rules and the Stability of Mass Tort Class Action» ,Georgetown University Law Center, Paper 1068.2012,p1-40,p 2.

2. Opt out.

منظور از خروج محور بودن دعاوی جمعی این است که پس از تعریف گروه تمام کسانی که منطبق با تعریف گروه هستند، عضو گروه تلقی می‌شوند مگر خودشان از گروه خارج شوند. در این روش تمام افراد به‌طور اتوماتیک عضو گروه تلقی می‌شوند. در مقابل در روش ورود محور اصولاً برای اینکه کسی عضو گروه باشد باید وارد گروه شود.

برای جمعی تلقی شدن دعوا دو عنصر اساسی لازم است. اول اینکه دعوا باید به گونه‌ای باشد که قابلیت نیابت‌پذیری داشته و قائم به شخص نباشد و دوم وجود نماینده‌ای است که قادر به نمایندگی از اعضای غایب گروه باشد. مطابق با این عناصر صرف اجتماع افراد موجب جمعی بودن دعوا نبوده و مفهوم نمایندگی در فهم ماهیت این دعاوی نقش مهمی دارد.^۱ در واقع هم تجمیع و هم نمایندگی عناصر ذاتی دعاوی جمعی هستند و باید توجه داشت که اگرچه تجمیع دعاوی متعدد ضمن یک دعاوی واحد مبنای اولیه دعاوی جمعی است، اما دعاوی جمعی صرفاً ابزاری برای تجمیع دعاوی محسوب نمی‌شود. زیرا، با توجه به الزام‌آور بودن رأی صادره در دعاوی جمعی نسبت به تمام اعضای گروه، نمایندگی مینا و توجیهی برای الزام‌آور بودن رأی صادره نسبت به کسانی است که در دعوا مشارکت نداشته‌اند.^۲

از زمان پذیرش دعاوی جمعی در قانون آیین دادرسی مدنی فدرال آمریکا، اختلاف نظرهای بسیاری در خصوص معایب و مزایای این دعاوی در حقوق آمریکا و سایر نظام‌های حقوقی دیده می‌شود. عده‌ای با تکیه به مزایایی چون امکان تحقق بیشتر عدالت، کارآمد بودن، قطعیت و بازدارندگی آنها در ورود زیان‌های جمعی از پذیرش این دعاوی در حقوق آمریکا حمایت کرده و معتقدند که با توجه به این مزایا، ضروری است که تا حد امکان با رفع معایب، زمینه‌های رشد و توسعه این دعاوی را مهیا کرد. برخی حقوق‌دانان نیز که عمدتاً اروپایی و جزء خانواده حقوقی رومی-ژرمنی هستند، با اشاره به معایب موجود در این دعاوی از جمله نادیده گرفتن موضوعات فردی، امکان سوء استفاده وکلا و عدم رعایت اصول دادرسی بر این باورند که پذیرش این دعاوی حداقل به شکل آمریکایی آن قابل توجیه نبوده و لازم است با اعمال برخی تغییرات، شکل جدیدی از این دعاوی پذیرفته شود. به نظر می‌رسد دعاوی جمعی موجود در کشورهای اروپایی که متفاوت از دعاوی جمعی آمریکایی هستند، نتیجه چنین دیدگاهی باشند.

در حقوق دادرسی مدنی ایران هرچند عمدتاً با هدف جلوگیری از صدور آرای معارض نمونه‌هایی از جمع و تجمیع دعاوی در مواردی چون ماده ۱۷ و ۶۵ و ۱۰۳ قانون آیین دادرسی مدنی پیش‌بینی شده، اما آنچه این‌گونه تجمیع‌ها را از دعاوی جمعی متمایز می‌کند در این نکته خلاصه

1. Rubenstein, William B, Understanding the Class Action Fairness Act of 2005, UCLA School of Law – Program on Class Actions, 2005, available at <http://www.classactionprofessor.com/cafa-analysis.pdf>, p 2.

2. Lyn Basset, Debra, «Constructing Class Action Reality», Byu Law Review, issue 6, article 1, 2006, p 1418-1417.

می‌شود که رسیدگی توأمان به این دعاوی استقلال آنها را از بین نمی‌برد. ادعای هر فرد مستقل از ادعای دیگری محسوب شده و در خصوص هر دعوا با توجه به دلایل اثباتی و قواعد خاص آن دعوا، به‌طور جداگانه تصمیم‌گیری می‌شود، ولی به شرحی که خواهیم خواند، در دعاوی جمعی ما تنها با یک دعوا مواجه هستیم که عمدتاً دارای ادله اثباتی و قواعد حاکم یکسانی بوده و بیش از یک رأی در آن صادر نمی‌شود و این رأی نسبت به همه اعضای گروه به‌طور یکنواخت حکومت می‌کند. افزون بر این مسئله نمایندگی در دعاوی جمعی با مقررات نیابت در دادرسی سنتی به کلی متفاوت بوده که بررسی بیشتر این موضوع و پاره‌ای موضوعات مطرح دیگر در این زمینه نیازمند مجال فراخ دیگری است، هرچند در مبحث بعدی ضمن بررسی شروط دعاوی جمعی اشاره‌هایی نیز به این مسائل شده است.

مبحث اول: شروط دعاوی جمعی

بند الف ماده ۲۳ قانون آیین دادرسی مدنی فدرال آمریکا، چهار شرط اصلی برای دعاوی جمعی مقرر کرده است. این چهار شرط با عناوین تعدد، اشتراک، نوعی بودن و کفایت نمایندگی^۱ شناخته می‌شوند.^۲

۱. تعدد

طبق آنچه که در بند ۱ ماده ۲۳ مطرح شده، منظور از تعدد این است که تعداد اعضای گروه به میزانی باشد که طرح دعوا به‌طور شخصی یا جداگانه غیرعملی به نظر برسد. در قانون اشاره‌ای به تعداد افراد لازم برای تحقق شرط تعدد، نشده ولی بسیاری از دادگاه‌ها اجازه تشکیل گروه را حداقل با چهل عضو می‌دهند.^۳ البته در صورتی که تعداد ذی‌نفعان بسیار زیاد باشد، اقامه‌کننده دعوا باید به گونه‌ای مدعیان را تعریف و آنها را توصیف کرده باشد که اولاً: گروه پیشنهاد شده نه آن چنان محدود معرفی شده باشد که برخی از زیان‌دیدگان را در برنگیرد و نه آن چنان گسترده

1. Numerosity-Commonality-Typicality-Adequacy .

2. Janet Couper, Alexander, An Introduction to Class Action Procedure in the United States, Presented Conference: Debates over Group Litigation in Comparative Perspective Geneva, Switzerland, July 21-22, 2000, p 4 Available at <https://law.stanford.edu/publications/an-introduction-to-class-action-procedure-in-the-united-states/>

3. Anderson, Brian and Andrew Trask, The Class Action Play book, New York, oxford university press, 2010, P 22.

باشد که تعدادی از افراد را که ارتباطی با موضوع اصلی دعوا ندارند دربرگیرد. ثانیاً؛ کسانی که صراحتاً نام آنها برده نشده و هویت فردی آنان معلوم نیست، قابل شناسایی باشند.^۱ در رویه قضایی نیز برای تحقق شرط تعدد مندرج در ماده ۲۳ دو عامل آسان بودن تجمیع و قابلیت تعیین مورد بررسی قرار گرفته‌اند. برای تشخیص عملی و آسان بودن تجمیع، عواملی مانند تعداد اعضای گروه، سهولت تشخیص اعضا و تعیین نشانی آنها، سهولت خدمات رسانی به اعضا در صورت الحاق، پراکندگی جغرافیایی و امثال آن پیشنهاد شده است.^۲

۲. اشتراک

دومین شرط ماده ۲۳ اشتراک است. منظور از اشتراک این است که دعوا متضمن جهات حکمی و موضوعی مشترکی برای گروه باشد. البته مشترک بودن موضوع به این معنا نیست که تمام جهات حکمی و موضوعی دعوا برای گروه کاملاً یکسان باشد. در واقع معیار اشتراک بیشتر یک معیار کیفی است تا کمی. به همین دلیل یک موضوع نسبتاً مشابه و یکسان، می‌تواند برای تضمین صدور گواهی پذیرش دعاوی جمعی^۳ کافی باشد، اما در صورتی که تصمیم‌گیری در خصوص موضوعی، نیازمند بررسی اوضاع و احوالی شخصی هر یک از اعضای گروه باشد، چنین موضوعی مشترک محسوب نمی‌شود.^۴

۳. نوعی بودن (شاخصیت)

یکی دیگر از شرایط دعاوی جمعی در ماده ۲۳ نوعی بودن است. مطابق بند الف این ماده ادعاها و دفاعیات اشخاص نماینده باید نمونه بارز ادعاها و دفاعیات گروه باشد. این شرط تضمین می‌کند که خواهان برای اقامه دعاوی جمعی بیش از دعاوی فردی مهیا است. بنابراین اگر خواهان با اثبات دعاوی فردی خود بتواند دعاوی افراد دیگر را نیز اثبات کند، این شرط محقق

۱. غفاری فارسانی، بهنام؛ شیوه‌های خاص رسیدگی به دعاوی ناشی از نقض حقوق مصرف‌کنندگان در مراجع قضایی، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۸۹ به نقل از:

Holly Pauling Smith & Madeleine M. McDonough, "Chapter 25: USA", in Global Legal Group, *The International Comparative Legal Guide to: Class and Group Actions 2011*, London: Global Legal Group Ltd, 2010, p 152.

2. Gidi, Antonio, «Class Actions in Brazil-A Model for Civil Law Countries», *The American Journal of Comparative Law*, Series 2006-A-11, 2003, p 338-Anderson, op.cit, 21-22.

۳. در حقوق آمریکا قبل از رسیدگی به دعاوی جمعی، لازم است که جمعی بودن دعوا مورد تأیید دادگاه قرار گیرد. دادگاه با بررسی شرایط ماده ۲۳ و در صورت وجود شرایط، اجازه جمعی مطرح شدن را با صدور گواهی، خواهد داد.

4. Ibid, p 25-26.

شده است. البته نوعی بودن مستلزم این نیست که ادعاهای خواهان، کاملاً مشابه ادعای تمام اعضای گروه باشد. بلکه کافی است که هم دعوی خواهان اصلی و هم دعوی اعضای گروه ناشی از رفتار مشابه باشند.^۱

۴. احراز شایستگی خواهان اصلی

مطابق با بند الف ۴ ماده ۲۳ لازم است که خواهان نماینده اثبات نماید که قادر به دفاع از منافع گروه به نحو عادلانه و به حد کافی است. دادگاهها در خصوص احراز این شرط تمایل به بررسی دو مسئله دارند. نخست اینکه، تعارضی بین منافع خواهان نماینده و منافع اعضای گروه وجود نداشته باشد. مسئله دیگر آن است که: نماینده گروه صلاحیت لازم برای انجام وظایف امانی نسبت به گروه پیشنهادی از طریق نظارت بر وکیل خود و اظهار نظر از طرف گروه را دارا باشد.^۲ ضرورت پیش‌بینی چنین شرطی ناشی از این واقعیت است که در اکثر موارد امکان اینکه خواهان اصلی توسط تمام اعضا به‌عنوان نایب آنها انتخاب شود عملاً وجود نداشته و در نتیجه قانون‌گذار باید مقرراتی را در راستای وصف امانت در خواهان اصلی پیش‌بینی نماید. نظارت بر اقدامات نماینده و اینکه او، چه در مرحله تأیید دعوا و چه در ادامه و اتمام آن به صلاح و صرفه گروه عمل می‌کند، بر عهده قاضی است. به این ترتیب منافع گروه بر منافع شخصی اعضای گروه اولویت داشته و در مواقع تعارض، نماینده باید منافع شخصی خود را رها سازد والا، وصف نمایندگی او زایل می‌شود.^۳

مبحث دوم: آثار دعاوی جمعی

از جمله آثار دعاوی جمعی الزام‌آور بودن رأی صادره در این دعاوی نسبت به تمامی اعضای گروه است، اعم از اینکه در فرایند دادرسی حضور و مشارکت فعال داشته باشند یا خیر و رأی صادره نسبت به دعاوی آینده در این رابطه اعتبار امر قضاوت شده خواهد داشت.^۴ بنابراین دعاوی جمعی استثنایی بر این قاعده هستند که کسی که جزء طرفین دعوا نباشد ملزم به رأی نیست.^۵ البته در حکم دادگاه تنها تکلیف موضوعات مشترک میان اعضای گروه روشن خواهد شد و نتیجه دعوا

1. Ibid, p 27-28.

2. Ibid, p 30.

۳. غفاری؛ پیشین، (ص ۹۸).

4. Mulheron, op. cit, p3- Gidi, op. cit, p 344.

5. Teitelbaum, op. cit, p 4.

برای تمام اعضای گروه در این بخش یکسان است. در مورد مسائل فردی پس از دعاوی جمعی و در رسیدگی‌های جداگانه تصمیم‌گیری خواهد شد و در این بخش، لزوماً نتیجه نهایی برای همه اعضا یکسان نخواهد بود.

البته برای حمایت از منافع اعضای غایب گروه در دعاوی جمعی در برابر نمایندگی غیرصادقانه یا بی‌کفایت در حقوق آمریکا استثنائاتی بر قاعده کلی الزام‌آور بودن رأی دعاوی جمعی نسبت به همه اعضای گروه پیش‌بینی شده است. برای مثال در مواردی که شروع دعوا به اعضای گروه به طریق مقتضی اطلاع داده نشده و یا فرصت کافی برای خروج آنها پیش‌بینی نگردیده و یا در مواردی که ثابت شود اعمال نمایندگان نسبت به همه اعضای گروه منصفانه و منطبق بر مصلحت آنها نبوده، قاعده مذکور اعمال نمی‌شود.^۱

گفتار دوم: حقوق فرافرادی و انواع حقوق گروهی

در مباحث قبل اشاره شد که یکی از نخستین شروط در شناسایی دعاوی جمعی، پذیرش حق جمعی یا حق فرافرادی است. بر خلاف نظام حقوق رومی-ژرمنی، در نظام حقوقی کامن‌لا علاوه بر حقوق فردی، حقوق گروهی و فرافرادی هم شناسایی شده که ذیلاً به مطالعه آن خواهیم پرداخت.

مبحث اول: حق فرافرادی یا حق گروهی

تحولات جامعه مدرن امروزی ضرورت توجه به نوع دیگری از حق را در کنار حق فردی مطرح کرده است. از این حق به‌عنوان حق نسل سوم یا جمعی و گروهی یاد می‌شود و معمولاً در مباحث حقوق عمومی و حقوق بشر مطرح می‌گردد.^۲

1. Stuyck Jules et al, An Analysis and Evaluation of Alternative Means of Consumer Redress Other than Redress through Ordinary Judicial Proceedings, Final Report, Katholieke Universiteit Leuven, 2007, p 304.

۲. محتوا و مصداق حقوق بشر را در قالب نسل‌های حق بیان کرده‌اند. علاوه بر حق نسل اول و دوم (حقوق مدنی سیاسی و اقتصادی اجتماعی) حق نسل سوم (حق‌های همبستگی) مطرح شده است که بر ادعای برادری و همبستگی بنا می‌شوند کارل واساک برای نخستین بار مفهوم حق نسل سوم را در امتداد و ارتباط متقابل با سایر نسل‌های حق مطرح کرد. او تحلیل خود را بر شعار اصلی انقلاب فرانسه، آزادی، برابری، برادری بنا نهاد. از نظر او حق‌های نسل اول و دوم فردی هستند، حال آنکه حق‌های نسل سوم گروهی و جمعی‌اند که در پاسخ به تعاملات و وابستگی‌های متقابل جهانی شکل گرفته‌اند. در مقابل حق‌های نسل اول و دوم که بر مصالح و منافع فردی تکیه دارند، حق‌های نسل سوم بر مصالح جمعی اصرار می‌ورزند. (راسخ، محمد و فائزه عامری؛ «رویکرد نظری به مفهوم حق نسل سوم» پژوهش حقوق عمومی، دوره ۱۳۹۲، ۱۵، ش ۳۹، ص ۱۶۸)

در خصوص تعریف حق گروهی حقوق دانان به وحدت نظر نرسیده‌اند. برخی از آنها حقوق گروهی را حقوق فردی کسانی که متعلق به گروه خاصی هستند، تعریف کرده‌اند. در این دیدگاه حق گروهی مجموعه‌ای از حقوق فردی است. عده‌ای دیگر حق گروهی را حقی دانسته‌اند که متعلق به گروه است نه اعضای آن به‌طور جداگانه.^۱ در دیدگاه دوم حقوق گروهی استقلال بیشتری داشته و گروه دارنده حقوق به‌شمار می‌رود و نه افراد آن.^۲

مطالعه تاریخی تحولات مفهوم حق نشان می‌دهد که حق، به مفهوم فعلی آن تقریباً تا قرن چهاردهم در اروپا مطرح نبوده و به تدریج معنای کنونی را به خود گرفته است. این مسئله بیانگر آن خواهد بود که حق از مفاهیم قابل تغییر است^۳ و در نتیجه پذیرش نوع یا مفهوم جدیدی از حق با عنوان حق جمعی با توجه به ضرورت‌های زندگی مدرن قابل توجیه است. از سوی دیگر بررسی تعاریف حق حاکی از آن است که در این تعاریف‌ها همواره انتساب حق به شخص (فرد) مورد نظر بوده و علت مخالفت با پذیرش حق جمعی به‌ویژه در نظام حقوق رومی-ژرمنی نیز می‌تواند ناشی از وجود چنین قیدی در تعریف حق باشد. در این نظام‌ها، منظور از حق، حق فردی است و حقوق گروهی همانند منافع قانونی محیط زیست متعلق به شخص خاصی نبوده و کسی نمی‌تواند آن را در دادگاه مطالبه کند.^۴ این مفهوم در تعریف نفع قانونی (مشروع) هم دیده می‌شود. می‌دانیم ذی‌نفع بودن از شرایط اقامه دعوا در این نظام‌ها محسوب شده و از شرایط نفع هم مشروع و قانونی و شخصی بودن آن است. منظور از قانونی بودن نفع این است که قانون باید از نفع حمایت کند. در حالی که در کشورهای تابع نظام حقوقی رومی-ژرمنی، قانون نفعی را برای چنین گروه‌هایی شناسایی نکرده است. از طرفی شخصی بودن نفع از جمله به این معنا است که هر شخص تنها می‌تواند بابت حقوق تضییع شده خویش طرح دعوا کند، لذا هیچ‌کس نمی‌تواند برای دفاع از منافع عمومی یا مطالبه حق دیگری اقامه دعوا نماید مگر اینکه قانون صراحتاً چنین اختیاری را به وی داده باشد. بر این اساس در بسیاری از کشورهایی که تابع نظام

1. Peter, Jones. Group Rights, Entry in the Stanford Encyclopedia of Philosophy, 2008, available at <http://plato.stanford.edu/entries/rights-group/>

2. Carla Calvo Mañosa, Group Rights and individual rights: Can they coexist? Research Fellow, report, 2014 available at <http://erpilc.org/rule-of-law-and-democracy-2/>, p 3.

3. Hutson, James, «The Emergence of the Modern Concept of a Right in America», American journal of jurisprudence, V39, issue 1, article 8, 1994, pp186.

4. Baumgartner, Samuel P. «Class Actions and Group Litigation in Switzerland» Northwestern journal of international law and business, V 27, issue 2, 2007, p310-Gidi, op.cit, p 345.

حقوقی رومی- ژرمنی هستند، قواعد آیین دادرسی سنتی اجازه اقامه دعوا از سوی اشخاص متعدد یا سازمان‌های معین را برای مطالبه یکجای منافع مشابه افراد مختلف را نمی‌دهند.^۱

تعاریف نویسندگانی که حق را به‌عنوان مجموعه‌ای از حقوق فردی و نه مستقل از آن مطرح کرده‌اند، نیز نتیجه نگاه سنتی آنها به حق فردی است. در فقه اسلامی و حقوق ایران نیز عموماً رویکردی سنتی به حق فردی وجود داشته و مفهوم حق فرافردی ناشناخته و غایب از اندیشه‌های حقوقی بوده است. در فقه مفهوم حق در کنار حکم مطرح شده و فقها عموماً حق را سلطه‌ای که برای شخص بر شخص دیگر یا مال یا شیء جعل و اعتبار می‌شود، تعریف می‌کنند.^۲ مرحوم عبدالله مامقانی صاحب نه‌پایه‌المقال در تفاوت حق و حکم و برای بیان رابطه شخص و حق آن را به ریسمانی تشبیه می‌کند که میان حق و شخص کشیده شده و آن دو را به هم متصل می‌کند. ریسمان در دست شخص است و همین که رها شود آن تعلق و ارتباط نیز از بین می‌رود.^۳ نگاهی به تعریف حق در آثار حقوق دانان ایرانی هم آشکارا نشان می‌دهد آنچه در ذهن آنها خانه کرده و بر قلم‌شان جاری می‌شود تنها حق فردی است و سخنی از حق جمع و گروه به‌عنوان ماهیتی اصیل نرفته است.^۴

اما حق جمعی ضمن اینکه فردی نیست و بر افراد برتری دارد، در عین حال، صرفاً مجموعه‌ای از حقوق فردی و به عبارتی جمع عددی حق‌های فردی هم محسوب نمی‌شود. حق فرافردی همانند حق بر پاک‌ی هوا، پاک‌ی رودخانه، صداقت در آگهی‌ها یا ایمنی محصولات، متعلق به جامعه در کل و به تعبیری حیات جمعی بوده و مختص افراد، مؤسسات یا انجمن‌ها و یا دولت و حکومت نیستند.^۵ بی‌تردید حق جمعی مبتنی و متکی به منافع و مصالح جمعی است ولی این

1. Dechert's International Dispute Resolution Group, The Continuing Debate on the Introduction of Class Actions in France, 2007 Available at <http://www.freebooksgo.com/10/The-Continuing-Debate-on-the-Introduction-of-Class-Actions-in.html>, p 3-Gidi, op.cit, p 345.

۲. اصفهانی، محمد حسین کمپانی؛ **حاشیه کتاب مکاسب**، ج اول، قم، انوار الهدی، ۱۴۱۸، (ص ۱۷-۱۸) - نایینی، میرزا محمد حسین غروی؛ **منیه الطالب فی الحاشیه کتاب مکاسب**، ج ۱، تهران، المکتبه المحمدیه، ۱۳۷۳، ص ۴۲.

۳. مامقانی، ملاعبدالله بن محمد حسن؛ **نهایه‌المقال فی تکمله غایه الامال**، قم، مجمع الذخائر الإسلامیه، ۱۳۵۰، ص ۳.

۴. کاتوزیان، ناصر؛ **فلسفه حقوق**، ج ۳، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۰، ص ۴۲۹ و ۴۲۲ - جعفری لنگرودی، محمد جعفر؛ **ترمینولوژی حقوق**، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۶، ش ۱۷۲۲ - حیاتی، عباس؛ **مقدمه علم حقوق**، تهران، میزان، ۱۳۸۸، ص ۱۶ - جعفری لنگرودی، محمد جعفر؛ **مقدمه عمومی علم حقوق**، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۷، ص ۱۴.

5. Gidi, op.cit, p 351.

۶. بیکس، برایان؛ **فرهنگ نظریه حقوقی**، ترجمه محمد راسخ و همکاران، تهران، نشر نی، ۱۳۸۹، ص ۳۵۹.

سخن به این معنا نیست که حق جمعی عیناً همان منفعت جمعی و قابل تحویل و فروکاستن به منفعت جمعی است. از دیدگاه تحققی تا زمانی که مصالح جمعی در قالب قانون یا سایر منابع حقوق تحت عنوان حق به رسمیت شناخته نشده، نمی‌توان از منافع جمعی به‌عنوان حق جمعی یاد کرد.^۱ تمام تلاش ما نیز در اینجا این است که با اصالت قائل شدن برای منفعت جمعی در کنار منفعت‌های صرفاً فردی عرصه را برای بحث درباره شناسایی حق جمعی در نظام حقوقی ایران آماده کنیم. از لحاظ جایگاه، اختلاف نظر درباره ماهیت حق جمعی از حیث تعلق آن به حقوق عمومی یا خصوصی باعث شده گاهی این حق را دارای ماهیتی دو گانه در حد فاصل میان حقوق عمومی و خصوصی بدانند. هرچند در بعضی نظام‌های حقوقی، برخی مصادیق این حق به لحاظ سستی، در دسته‌بندی دعاوی راجع به منافع عمومی مطرح شده‌اند.

سازمان یونسکو در سال ۱۹۷۸ حق بر توسعه، حق بر محیط زیست سالم، حق بر میراث مشترک، حق بر ارتباطات و حق بر صلح را از جمله مصداق‌های حق نسل سوم معرفی کرده است.^۲

حق جمعی از زمان طرح موافقان و مخالفانی داشته است. برخی اساساً انتساب عنوان حق بر حق جمعی را غیرممکن دانسته و حق را تنها متعلق به افراد می‌دانند. عده‌ای نیز معتقدند که نیازی به چنین حقوقی نیست و وقتی از حق فردی حمایت شود از حق گروه هم حمایت خواهد شد.^۳ در دیدگاه‌های مطرح شده می‌توان جدال میان فردگرایی و جمع‌گرایی فلسفی را آشکارا ملاحظه کرد. در حقیقت، عمده مدافعان مفهوم حق نسل سوم جمع‌گرایان هستند. جمع‌گرایی عنوانی کلی برای حمایت از مفهوم و نظریه‌ای است که بر مبنای آن می‌توان از ادعاهای گروه، از آن جهت که گروه است، همانند ادعاهای فرد، در قالب حق حمایت کرد. در واقع جمع‌گرایان تلاش می‌کنند از طریق شبیه‌سازی گروه به فرد از مفهوم حق نسل سوم دفاع کنند. به نظر آنها نمی‌توان با این استدلال که گروه فاقد ویژگی‌های فرد است آن را از حق محروم کرد؛ جمع‌گرایان بر وجود حق جمعی به شکلی مستقل از حق فردی اصرار می‌ورزند و بر این اساس، انتساب حق را تنها و منحصرأً به فرد بی‌معنا می‌دانند.^۴

۱. راسخ، محمد؛ حق و مصلحت، ۲، چ ۱، نشر نی، تهران ۱۳۹۲، ص ۵۵۵ و بعد.

۲. راسخ؛ پیشین، ص ۱۷۱.

3. Carla Calvo Mañosa, op.cit, p 4-5.

4. Newman, D. "Collective Rights", Philosophical Books, Vol. 48, No. 3.2007,p 225.

به نقل از راسخ؛ پیشین، ص ۱۷۷.

به نظر می‌رسد باید استدلال موافقان حقوق جمعی را مورد تأیید قرار داد. عقاید و باورهای جزمی در مورد مفهوم فردی حق و محروم کردن گروه از داشتن حقوق منحصر به خود و متفاوت از حقوق مجموعه‌ای از افراد، با نیازها و مقتضیات جامعه مدرن امروزی سازگار نیست. پذیرش حق فرافردی به معنای موجودیتی مجزا از حقوق فردی نقش مهمی در پذیرش دعاوی جمعی خواهد داشت و بدون قبول چنین مفهومی از حق، حمایت از حقوق گروه‌ها با مشکل و چالش مواجه خواهد شد. قسمت عمده این مشکلات در مرحله اجرا و احقاق حق در دادگستری مطرح می‌شود. اگر حق جمعی را با اوصاف گفته شده بپذیریم افراد جامعه در اجرا و احقاق آن در صورت مراجعه به دادگستری ذی‌حق و ذی‌نفع شمرده شده و مانعی در راه اجرا و احقاق حق جمعی وجود نخواهد داشت. در غیر این صورت و با قرار دادن کردن منفعت و مصلحت عمومی به جای حق جمعی معلوم نیست که عموم چگونه و بر چه مبنایی در مقام اجرا و به‌ویژه احقاق حق در محاکم قضایی بر خواهند آمد؟ زیرا، از یک سو اقدام تک تک افراد به تنهایی به دلیل نداشتن حق و نفع شخصی پذیرفته نمی‌شود. از سوی دیگر اقدام از طرف تمامی مردم به صورت گروهی نیز بسیار دشوار است. سپردن این اقدامات به دولت‌ها هم صرف نظر از ایرادات نظری در عمل نیز همیشه کار ساز نیست از جمله به این دلیل که ممکن است خود دولت عامل نقض منافع عمومی باشد. اینک شایسته است با ذکر مثالی مفهوم حق گروهی به‌عنوان حقی مستقل از حق فردی را روشن‌تر نماییم. فرض کنید که کارخانه‌ای با انتشار دودهای آلاینده هوا در زندگی مردمی که در آن محله سکونت دارند، تأثیرات منفی دارد. آیا آن مردم حق متوقف کردن کارخانه را دارند؟ در پاسخ به این سؤال نه تنها باید اثر ناگوار آلودگی، بلکه هزینه‌های متوقف کردن آن را هم در نظر گرفت. فرض کنید که آلودگی تا حدی است که بر کیفیت زندگی اهالی محله تأثیرگذار است، اما نه به میزانی که تهدید جدی بر سلامتی هر یک از افراد داشته باشد. همچنین فرض کنید که هزینه‌های متوقف کردن کارخانه سنگین است. در چنین موردی می‌توان نتیجه گرفت که منافع هر فرد به تنهایی توجیه‌کننده توقف فعالیت کارخانه نیست اما منافع جمعی^۱ آنها می‌تواند توجیه‌کننده چنین تکلیفی محسوب گردد. در این مثال گروه دارای حقی است که هیچ‌کدام از

1. Their aggregate interest.

افراد به صورت فردی نداشته‌اند. در نتیجه کسانی که در این محله سکونت دارند، به‌عنوان گروه حق متوقف کردن کارخانه را دارند.^۱

حقوق فرافرادی غیرقابل تجزیه هستند. حقی غیرقابل تجزیه یا تقسیم است که نتوان آن را به ادعاهای فردی مجزا و یا به عبارت دیگر به قسمت‌هایی قابل انتساب به هر کدام از اعضای گروه تقسیم کرد. در این مفهوم از حق، منافع اعضای گروه آن‌چنان به هم مربوط است که اعطای جبران به یک فرد به معنی جبران زیان‌های هر کدام از اعضای گروه است و زمانی که حق یکی از اعضای گروه مورد تجاوز قرار می‌گیرد، به معنی نقض حقوق کل گروه است. بنابراین زمانی که حق غیرقابل تجزیه باشد، محدود کردن جبران حقوقی به اعضای خاصی از گروه، امکان‌پذیر نخواهد بود. مفهوم غیرقابل تجزیه بودن حق فرافرادی را می‌توان با این مثال توضیح داد: فرض کنید شرکتی اقدام به انتشار تبلیغات گمراه‌کننده یا فریبنده در خصوص تولیدات خود می‌کند. این تبلیغات به جامعه به‌عنوان یک کل آسیب می‌زند. لذا اقامه دعاوی جمعی راهکاری برای منع تبلیغات گمراه‌کننده است. در صورت صدور دستوری مبنی بر منع شرکت از به‌کارگیری تبلیغات به تمام جامعه و نه یک نفر نفع می‌رسد. این حق به دلایل عملی غیر قابل تجزیه محسوب می‌شود. زیرا، تبلیغات را نمی‌توان از یک تلویزیون حذف کرد و در سایر تلویزیون‌ها باقی گذاشت. البته ممکن است در نتیجه این تبلیغات به افراد خاصی نیز ضرر فردی وارد شده باشد. اما این حق فردی و در نتیجه قابل تجزیه است و امکان مطالبه خسارات مادی برای ضرر آن فرد ایجاد می‌کند.^۲

مبحث دوم: انواع حقوق گروهی

مطالعه بیشتر حقوق فرافرادی نشان می‌دهد که خود این حقوق هم دارای اقسام متعددی بوده و همه مصادیق آن یکسان نیستند. شاید همین تنوع وتلون سبب اختلاف نظرها پیرامون ماهیت و تعریف این حقوق شده باشد. در این راستا انواع حق‌های فرافرادی را مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهیم.

الف) حقوق منتشره^۳

1. Jones, Peter « Human Rights, Group Rights, and Peoples' Rights », The Johns Hopkins University Press ,Vol. 21, No. 1 ,1999, p 84.

2. Gidi, op.cit, p 352-353.

3. Diffuse Rights.

حق منتشره یک حق فرافردی و غیرقابل تجزیه و تقسیم است. این حق متعلق به گروهی از افراد نامشخص بدون ارتباط قبلی است که به دلیل اتفاق خاصی مانند زندگی در یک منطقه، خرید کالای یکسان، دیدن برنامه تلویزیون واحدی و... به یکدیگر مرتبط شده‌اند.^۱ بارزترین مصادیق در خصوص حقوق منتشره در حوزه محیط زیستی و حمایت از مصرف‌کننده دیده می‌شوند. سازمان یونسکو نیز در سال ۱۹۷۸ یکی از حقوق جمعی مهم حق بر محیط زیست ایمن^۲ معرفی کرده است. این حق با تعابیر گوناگون در اسناد بین‌المللی مختلف مانند منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم، منشور جهانی طبیعت (مصوب ۱۹۸۲ مجمع عمومی سازمان ملل) و اعلامیه استکهلم سازمان ملل در باب محیط زیست انسان (مصوب ۱۹۷۲ سازمان ملل متحد) انعکاس یافته است.

حق داشتن محیط ایمن متعلق به تمام افراد جامعه بوده و تعلق به فرد خاصی ندارد. به‌عنوان مثال در مورد آلودگی آب دریا واضح است که دریا متعلق به شخص خاصی نیست، اما آلودگی آب آن به جامعه به‌عنوان یک کل غیرقابل تجزیه و تقسیم ضرر خواهد زد. این حق متعلق به جامعه به‌طور کلی است و نه افراد گروه به‌طور فردی. لذا این حق یک حق فرافردی است و نه حق فردی. مثال‌هایی که در مباحث قبل در خصوص حق برخورداری از صداقت در تبلیغات و آلودگی محل در نتیجه اقدامات کارخانه مطرح شد، نیز می‌توانند از مصادیق حقوق منتشره باشند. زیرا، در این مثال‌ها هم افراد گروه کسانی هستند که منافع مشترک داشته و در نتیجه این حادثه به یکدیگر مرتبط شده‌اند و قبلاً ارتباطی با هم نداشته‌اند.^۳

در دعاوی جمعی برای حمایت از حقوق منتشره، دادگاه ممکن است انواع مختلف جبران‌ها مانند قرار منع برای اجتناب از ضررهای آتی، اعاده به وضع سابق یا جبران خسارت یا تمام این جبران‌ها را متناسب با نیازهای هر پرونده صادر کند. به‌عنوان مثال قانون برزیل از شیوه جبرانی اجرای عین تعهد طرف‌داری می‌کند و صرفاً در مواردی که اجرای عین تعهد ممکن نباشد، امکان اعطای خسارت را پیش‌بینی کرده است. خسارت اعطایی به صندوق بودجه دولتی پرداخت می‌شود. به‌عنوان مثال در مورد آلودگی دریا دادگاه ممکن است دستوری مبنی بر منع ریختن آلاینده‌ها در دریا صادر کرده یا خواننده را ملزم به نصب فیلتر کند و دستور پاک کردن آب از

1. Gidi, op.cit, p354.

2. The Right to Safe Environment.

3. Gidi, op.cit, p.354-355- Jones,op.cit,p 85.

آلودگی قبلی را داده یا حکم به پرداخت خسارت به واسطه ضرر ایجاد شده به محیط زیست دهد. در مورد تبلیغات گمراه کننده، دادگاه ممکن است از انتشار تبلیغات منع کند یا دستور تبلیغات اصلاح شده به هزینه خوانده صادر کند، همچنان که ممکن است دستور پرداخت خسارت به مصرف کنندگان دهد. البته باید دانست که نتیجه حمایت از حقوق منتشره در دادگاه، حق فردی اعضای گروه را که در نتیجه رفتار غیرقانونی خوانده زیان دیده‌اند، از بین نمی‌برد. اعضای گروهی که در نتیجه آلودگی یا تبلیغات واقعا متضرر شده‌اند، می‌توانند خسارات فردی را از طریق دعاوی فردی و یا از طریق دعاوی جمعی مطالبه کنند.^۱

این دسته از حقوق جمعی شبیه دعاوی جمعی موضوع بند ۱ ب و ۲ ب ماده ۲۳ قانون آیین دادرسی مدنی فدرال آمریکا هستند.^۲ در بند ۲ این ماده صحبت از حقوقی است که به‌طور کلی مربوط به جمع است و این بند در واقع مصداقی از حقی است که فردی نیست. در ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی مدنی اسپانیا نیز به حقوق منتشره و حقوق دسته جمعی اشاره شده است. با وجود این قانون تعریف خاصی از این حقوق ارائه نشده است.

ب) حقوق دسته جمعی^۳

حقوق دسته جمعی علی‌رغم مشابهت با حقوق منتشره متفاوت از آنها هستند. در حق منتشره با گروهی از اشخاص مواجه هستیم که قبلا با هم ارتباط نداشته‌اند و به‌واسطه اوضاع و احوال یا شرایطی به هم مرتبط شده‌اند. اما اعضای گروه در حق دسته جمعی، به یکدیگر و یا به طرف مقابل، از طریق رابطه حقوقی مشترک قبلی مرتبط‌اند. رابطه حقوقی مشترکی که قبلا وجود داشته، اعضای گروه را در مورد حقوق جمعی، به نسبت حقوق منتشره، معین‌تر و مشخص‌تر می‌کند. به‌عنوان مثال زمانی که بانک یا مدرسه، هزینه‌های غیرقانونی و بیشتر از حد معمول را به مشتریان خود تحمیل می‌کند یا شرکت بیمه سلامتی از تحت پوشش قرار دادن برخی بیماری‌ها اجتناب می‌نماید، حقوق دسته جمعی مشتریان خود را نقض کرده‌اند. در این موارد، یک رابطه قراردادی وجود دارد که تمام اعضای گروه را با طرف مقابل مرتبط می‌کند. بنابراین دعاوی

1. Gidi, op.cit, p 355.

2. Hensler, Deborah. R "Of Groups, Class Actions, and Social Change: Reflections on From Medieval Group Litigation to the Modern Class Action", UCLA Law Review, VOL 61, 2013, P 132.

3. Collective Rights.

علیه خوانده به منظور متوقف کردن دریافت هزینه‌های غیرقانونی یا منطبق کردن روش خود با قوانین ماهوی، در این دسته قرار می‌گیرد. به دلیل اینکه همه قراردادهای، تحت شرایط یکسانی هستند (معمولاً قرارداد الحاقی‌اند) و همه آنها تحت شمول قانون ماهوی یکسانی می‌باشند، تصمیم‌گیری در خصوص قانونی بودن رفتار خوانده برای تمام اعضای گروه یکسان است. در واقع در این موارد، جهات حکمی و موضوعی مشترک اجازه اتخاذ تصمیم واحدی را که بر منافع تمام اعضای گروه مؤثر باشد، خواهد داد.^۱

در رابطه با قابلیت تجزیه حقوق دسته جمعی باید اذعان داشت، در برخی موارد، حق دسته جمعی واقعاً غیر قابل تجزیه است، مانند زمانی که بحث مربوط به کیفیت آموزش در مدرسه خاصی است. در این مورد هیچ حق فردی مجزایی برای دانش‌آموز جهت آموزش شایسته وجود ندارد. این حق گروهی و غیرقابل تجزیه است زیرا، تقسیم آن به سهم‌های قابل انتساب به هر کدام از اعضای گروه غیرممکن است. در نتیجه این حق نمی‌تواند به دعاوی فردی مجزایی تقسیم شده یا جبران حقوقی را به اعضای خاص گروه محدود کند. منافع اعضای گروه آن‌چنان به یکدیگر مرتبط است که اگر جبران به یک عضو داده شود، دلالت بر جبران سایر اعضای گروه دارد و اگر حق یکی از اعضا نقض شود، دلالت بر نقض حقوق تمام گروه دارد. از این منظر، تفاوت کمی بین حق دسته جمعی و حق منتشره وجود دارد. با وجود این، ویژگی غیرقابل تجزیه بودن لزوماً در تمام مصادیق حقوق دسته جمعی صادق نیست. بر خلاف مثال‌های حقوق منتشره (آلودگی دریا یا تبلیغات تلویزیونی) در مثال‌های اخیر حقوق دسته جمعی، خواننده (بانک، مدرسه) ممکن است هزینه‌های غیرقانونی را بر برخی از مشتریان و نه همه آنها تحمیل کند یا اجتناب سازمان بیمه، نسبت به برخی از مشتریان باشد. علاوه بر این یک عضو گروه ممکن است در دعاوی فردی موفق باشد، در حالی که عضو دیگر موفقیتی کسب نکند. در این موارد، حق جمعی به حقوق فردی مقرر شده برای اعضای گروه، تقسیم می‌شوند. در واقع غیرقابل تجزیه بودن حقوق دسته جمعی، به دلیل جواز قانونی برای برخورد جمعی با موضوع اختلاف است تا تصمیم یکسان

1. Didier, Fredie, Class actions and collective defendant legal situations, Civil Procedure Review, 2010, P.120- Gidi, op.cit, p 356.

و غیرقابل تجزیه در پرونده ممکن شود. از این منظر تفاوت کمی بین حقوق جمعی و حقوق فردی متجانس^۱ وجود دارد.^۲

حق دسته جمعی شبیه دعاوی جمعی مندرج در بند ب ۳ ماده ۲۳ قانون آیین دادرسی مدنی فدرال است که شرایط متفاوتی دارند.^۳ مطابق با این بند در دعاوی که جهات حکمی و موضوعی مشترک وجود داشته و از نظر دادگاه جهات مشترک دعوا تا حدی واجد اهمیت است که رسیدگی جمعی به این دعاوی ضرورت دارد، مسئله جواز طرح دعوا به صورت جمعی مطرح می شود. قانون گذار معیارهایی را هم برای تشخیص این مسئله، در اختیار قاضی قرار داده است. در واقع اگرچه این تقسیم بندی صریحاً در ماده ۲۳ قانون فدرال مطرح نشده، اما شباهت هایی وجود دارد. به طور کلی می توان حقوق منتشره و دسته جمعی را که حقوق متعلق به گروه به طور کلی هستند، معادل دعاوی جمعی دانست که طبق ماده ۲۳ به وسیله قرار منع یا خسارت حمایت می شوند.

ج) حقوق فردی متجانس

در کنار حقوق منتشره و دسته جمعی که محصول تفکرات اواخر قرن بیستم برای حمایت از حقوق محیط زیست، حقوق مصرف کننده، حقوق اقلیت ها و سایر حقوق گروهی است حقوق دیگری مطرح می شوند که به حقوق فردی متجانس موسومند. این دسته از حقوق بسیار شبیه حقوق فردی سنتی در نظام حقوقی رومی-ژرمنی هستند. حقوق فردی متجانس منعکس کننده ضرورت وجود یک ابزار شکلی برای اقدامی واحد در خصوص حقوق فردی مرتبط در یک دعوی واحد است. این ابزار شکلی دعاوی جمعی برای خسارات فردی است. در واقع منظور از حقوق فردی متجانس حقوقی هستند که منشأ مشترکی دارند و به همین دلیل متجانس نامیده می شوند. در اختلافات جمعی، بسیاری از دعاوی فردی برای خسارات ممکن است ناشی از یک منشأ مشترک باشند یا همان طور که قبلاً مطرح شد، تخلف از حقوق منتشره ممکن است نقض مجموعه ای از حقوق فردی مرتبط را ایجاد کند. در این موارد با استفاده از دعاوی جمعی امکان تجمع دعاوی فردی با منشأ مشترک ایجاد می شود. مفهوم حقوق متجانس را می توان در مثال هایی که قبلاً مطرح شد، بررسی کرد. در مثال استفاده از آگهی های فریبنده توسط شرکت، ممکن است خسارات فردی هم در نتیجه تبلیغات بر برخی افراد وارد شده باشد یا در مثال

1. Homogeneous individual rights .

2. Gidi, op.cit, p 356-357 .

3. Hensler, 2013, op.cit, p 132.

آلودگی دریا ممکن است برخی ساکنان منطقه در نتیجه آلودگی صدمه دیده باشند، به عنوان مثال سلامت جسمی برخی از افراد به خطر افتاده است یا برخی افراد مانند ماهیگیران یا زمین داران متحمل خسارات مالی شده باشند. این حقوق فردی برای خسارات ناشی از آن تبلیغات یا آلودگی حقوق فردی متجانس هستند. همچنین لازم است مفهوم منشأ مشترک را در مفهوم گسترده‌ای تفسیر کرد تا نزدیک به مفهوم «دارا بودن جهت موضوعی و حکمی مشترک»^۱ باشد. در واقع منشأ مشترک به این معنا است که سبب دعوا یکسان یا مشابه باشد. این ویژگی توجیه کننده ضرورت اقدام در قالب یک دعوا است. البته باید توجه داشت که منشأ مشترک به این معنا نیست که منشأ دعوا لزوماً یک حادثه واحد در زمان معلومی باشد که منتج به صدمه جمعی افراد مختلفی شده باشد همانند انفجار یا تصادم هواپیما یا تخریب ساختمان. حادثه‌ای که منشأ مشترک حق فردی متجانس است، ممکن است در یک فاصله زمانی و مکانی اتفاق افتاده باشد تا حدی که حقایق به حدی مرتبط باشند که از جهت قانونی یکسان تلقی شوند. به عنوان مثال در مورد آلودگی دریا، ممکن است خسارت در نتیجه ریختن زباله‌های خطرناک در طول چند سال ایجاد شده باشد و نه با یک اقدام واحد. در مورد تبلیغات گمراه کننده، مهم نیست که برخی افراد در جریان یک انتشار فریب خورده‌اند و برخی در جریان انتشار دیگر یا در شهر دیگر. البته لازم است که ارتباط کافی بین آگهی‌ها وجود داشته باشد.^۲ این مفهوم از حقوق فردی متجانس را که برای حمایت از حقوق فردی مورد استفاده قرار می‌گیرند، می‌توان معادل دعاوی جمعی موضوع ماده ۲۳ قانون آیین دادرسی فدرال آمریکا برای مطالبه خسارت فردی دانست.

در برخی کشورهای تابع نظام حقوقی رومی- ژرمنی که در این موارد به نوعی دعاوی جمعی را پذیرفته‌اند، جبرانی که در این فرض برای خسارات فردی وجود دارد یک دعاوی جمعی اعلامی است. در نتیجه در این موارد اگر دعاوی جمعی موفق شود، هر عضو فردی گروه، باید دعاوی فردی مجزایی را مطرح کند. نیاز به دعاوی فردی جداگانه برای خسارات فردی، به‌ویژه در دعاوی جمعی مربوط به زبان‌های کم اهمیت، یک نقص جدی در نظام‌های حقوق نوشته محسوب می‌شود.^۳ در مقابل در حقوق آمریکا در چنین مواردی می‌توان جبران خسارت اعضای گروه را نیز مطالبه کرد و نیازی به اقامه دعاوی فردی جداگانه نیست.

1. common questions of law or fact.

2. Gidi, op.cit, p. 357-359.

3. Ibid, p. 359.

نتیجه‌گیری

ضرورت پذیرش دعاوی جمعی در زندگی مدرن امروزی مورد توجه نظام‌های حقوقی مختلف قرار گرفته است. آمریکا با پیشگام شدن در این زمینه و با پذیرش دعاوی جمعی به‌عنوان مهد این دعاوی شناخته می‌شود. برخی نظام‌های حقوقی نیز علی‌رغم پذیرش انواع مختلف دعاوی دسته جمعی، به دلیل تعارض دعاوی جمعی آمریکایی با برخی اصول و مبانی، از پذیرش نسخه آمریکایی این دعاوی امتناع کرده‌اند. یکی از مهم‌ترین دلایل عدم پذیرش این دعاوی در این نظام‌های حقوقی، عدم شناسایی مفهوم حق جمعی یا حق فرافردی است. با توجه به اینکه ضرورت پذیرش دعاوی جمعی در این نظام‌های حقوقی نیز احساس شده، مفهوم حقوق گروهی و انواع آن از قبیل حقوق منتشره، حقوق دسته جمعی و حقوق فردی متجانس، به‌عنوان مبنایی برای پذیرش دعاوی جمعی در این مقاله مورد مطالعه قرار گرفته است. این مطالعه نشان می‌دهد نظام‌های حقوقی که دعاوی جمعی را به مفهوم واقعی خود پذیرفته‌اند، به مفهوم حقوق فرافردی عنایت و اهتمام ویژه‌ای داشته‌اند. پذیرش حق فرافردی به معنای موجودیتی مجزا از حقوق فردی نقش مهمی در پذیرش دعاوی جمعی خواهد داشت. لذا سایر نظام‌های حقوقی از جمله ایران نیز در صورتی که درصدد شناسایی دعاوی جمعی باشند، ناگزیر از کاوییدن و پرداختن به این مبانی هستند. افزون بر این، دیدگاه مسلط حاکم بر مفهوم حق فردی هم می‌تواند از دیگر موانع پذیرش و شناسایی دعاوی جمعی باشد که نیازمند تعدیل و تلطیف در پرتو تحولات جدید است.

فهرست منابع

الف) فارسی

۱. بیکس، برایان؛ فرهنگ نظریه حقوقی، ترجمه محمد راسخ و همکاران، تهران، نشر نی، ۱۳۸۹.
۲. جعفری لنگرودی، محمد جعفر؛ ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۶.
۳. جعفری لنگرودی، محمد جعفر؛ مقدمه عمومی علم حقوق، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۷.
۴. حیاتی، عباس؛ مقدمه علم حقوق، تهران، میزان، ۱۳۸۸.
۵. راسخ، محمد و عامری، فائزه؛ «رویکرد نظری به مفهوم حق نسل سوم» پژوهش حقوق عمومی، دوره ۱۵، ۱۳۹۲، ش ۳۹، (ص ۱۶۷-۱۹۳).
۶. راسخ، محمد؛ حق و مصلحت ۲، ج ۱، نشر نی، تهران، ۱۳۹۲.
۷. غفاری فارسانی، بهنام؛ شیوه‌های خاص رسیدگی به دعاوی ناشی از نقض حقوق مصرف‌کنندگان در مراجع قضایی، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۸۹.
۸. کاتوزیان، ناصر؛ فلسفه حقوق، ج ۳، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۰.

ب) عربی

۹. اصفهانی، محمد حسین کمپانی؛ حاشیه کتاب مکاسب، ج اول، قم، انوار الهدی، ۱۴۱۸.
۱۰. مامقانی، ملاعبدالله بن محمد حسن؛ نهاییه المقال فی تکمله غایه الأمال، قم، مجمع الذخائر الإسلامیه، ۱۳۵۰.
۱۱. نایینی، میرزا محمد حسین غروی؛ منیه الطالب فی الحاشیه مکاسب، ج ۱، تهران، المکتبه المحمدیه، ۱۳۷۳.

ج) لاتین

12. Anderson, Brian and Andrew Trask, The Class Action Play book, New York, oxford university press, 2010.
13. Baumgartner, Samuel P. «Class Actions and Group Litigation in Switzerland »,Northwestern journal of international law and business, V 27, issue 2, 2007, pp300-350.

14. Didier, Fredie, Class actions and collective defendant legal situations, Civil Procedure Review, 2010, pp118-128.
15. Gidi, Antonio, «Class Actions in Brazil-A Model for Civil Law Countries », The American Journal of Comparative Law, Series 2006-A-11, 2003, pp311-408.
16. Jones, Peter « Human Rights, Group Rights, and Peoples' Rights», The Johns Hopkins University Press, Vol. 21, No. 1, 1999, pp 80-107.
17. Hensler, Deborah. R «Of Groups, Class Actions, and Social Change: Reflections on From Medieval Group Litigation to the Modern Class Action», UCLA Law Review, VOL 61, 2013, pp126-134.
18. Hutson, James, «The Emergence of the Modern Concept of a Right in America », American journal of jurisprudence, V39, issue 1, article 8, 1994, pp185-224.
19. Lyn Basset, Debra, «Constructing Class Action Reality », Byu Law Review, issue 6, article 1, 2006, PP 1414-1468.
20. Mulheron Rachael, The Class Action in Common Law Legal Systems: A Comparative Perspective, Portland: Hart Publishing, 2004.
21. Mattil, Peter & Desoutter, Vanessa, «Class Action in Europe: Comparative Law and EC Law Considerations», Butterworths Journal of International Banking and Financial Law, 2008, p 484-488.
22. Stuyck Jules et al., An Analysis and Evaluation of Alternative Means of Consumer Redress Other than Redress through Ordinary Judicial Proceedings, Final Report, Katholieke Universiteit Leuven, 2007.
23. Teitelbaum, Joshua C, «Allocation Rules and the Stability of Mass Tort Class Action », Georgetown University Law Center, Paper 1068.2012, p1-40 .

(د) منابع الکترونیک

24. Dechert's International Dispute Resolution Group, The Continuing Debate on the Introduction of Class Actions in France, 2007 Available at :

25. <http://www.freebooksgo.com/10/The-Continuing-Debate-on-the-Introduction-of-Class-Actions-in.html>
26. Janet Couper, Alexander, An Introduction to Class Action Procedure in the United States, Presented Conference: Debates over Group Litigation in Comparative Perspective Geneva, Switzerland, July 21-22, 2000, Available at :
27. <https://law.stanford.edu/publications/an-introduction-to-class-action-procedure-in-the-united-states/>
28. Carla Calvo Mañosa, «Group Rights and individual rights: Can they coexist? » Reseach Fellow,report ,2014 available at:
29. <http://erpic.org/rule-of-law-and-democracy-2/>
30. Rubenstein, William B, Understanding the Class Action Fairness Act of 2005,UCLA Program on Class Actions, UCLA School of Law – Program on Class Actions, 2005, available at :
31. <http://www.classactionprofessor.com/cafa-analysis.pdf>
32. Peter, Jones. Group Rights, Entry in the Stanford Encyclopedia of Philosophy, 2008, available at: <http://plato.stanford.edu/entries/rights-group>